

نقش مجسمه و المان های شهری، هویت بخشی به فضای شهری

(نمونه موردی شهر شیراز)

حمیدرضا شیبانی^۱، سید احمد فروزنده^۲

۱. دانشجوی کارشناسی معماری، دانشکده فنی مهندسی شیراز (شهید باهنر)

hamidrezasheibani990@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی معماری، دانشکده فنی مهندسی شیراز (شهید باهنر)

چکیده

یکی از اجزای مهم در هر شهر که نگاه هر بیننده را به خود جلب می کند، عناصر و المان های شهری هستند که به شهرهویت می بخشند. هنر مجسمه سازی برای فضاهای عمومی بصورت مستقیم با مردم ارتباط دارد و موجب اعتلای فرهنگ بصری مردم و ارتقاء کیفیت محیط های شهری میشود. تحقیقات و بررسی های انجام شده نشان میدهد که مجسمه های شهری تنها نقش زیباسازی فضاهای شهری را به عهده ندارند و در صورتی که این نوع المان ها با در نظر گرفتن مولفه های فرهنگی، اجتماعی و نقش بستر که در مجسمه های محیطی با فرم بصورت یک واحد در هم تنیده هستند، خلق شوند، میتوانند وظایف مهم و خطیری هم چون هویت بخشی به فضاهای شهری، ایجاد تصویر ذهنی، انتقال پیامهای ارزشمند و مفاهیم معنوی و همچنین انتقال فرهنگ، تاریخ و... را در جامعه به عهده گیرند. در این مقاله به بررسی مجسمه های شهری و ضرورت وجود آنها در فضاهای عمومی و همچنین نقش آنها در شکل گیری مفاهیم مرتبط با فضاهای شهری پرداخته شده است. لذا پژوهش با یک رویکرد کیفی و به روش مطالعات میدانی و کتابخانه ای با هدف تعیین نقش آن در هویت بخشی به فضای عمومی شهر پرداخته است.

واژه های کلیدی: مجسمه شهری، فضای شهری زیبایی، هویت، شهر شیراز

مقدمه:

برکسی پوشیده نیست که همواره هنر در جوامع بشری به عنوان یکی از ارکان مهم تربیتی و آموزشی، عملکردی منطقی و بهبودگرا داشته است. بروز هنر شایسته، می تواند بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی را کنترل کرده و جامعه را به سرمنزل مطلوب و درخشان زندگی سوق دهد. ادراک زیبایی یکی از نیازهای انسانی است که شهروند در شهر طالب آن است (معینی فر و همکاران، 1392، 2:1). وقتی به فضاهای شهری اشاره می شود، غالباً مجسمه یا هر عنصر تندیسگونه را میتوان به عنوان یک عنصر در محدوده و عرصه فضای شهری در نظر گرفت (سلطان زاده، 1387: 7). امروزه شهرها به محلهایی برای انجام فعالیتهای تکراری و زندگی ماشینی شهروندان تبدیل شده اند. خیابانها و میادین انباشته از هرج ومرج و عوامل و عناصر مزاحم بصری، شنیداری و رفتاری گوناگونی است که شهروندان را به نوعی دچار آشفتگی روحی و جسم کرده اند. به نظر میرسد گذشته از مسائل شهرسازانه، راهحل دیگری که میتواند تا حدود زیادی به جامعه خشک و پرهرج و مرج کنونی روح و نشاط ببخشد، ورود هنر به فضاهای شهری است که بیگمان به تلطیف و زیباسازی محیط خواهد انجامید و شهر بیمار و خسته را تسکین خواهد داد. هنرهای بسیاری را میتوان ذکر کرد که در شهرها و محیطهای مختلف قابل اجرا و دارای ارزش های کارکردی و زیباشناسانه هستند اما یکی از مهمترین و موثرترین انواع هنر که میتواند در فضاهای شهری، کارکرد مناسب و ارزشمند داشته باشد، هنر مجسمه سازی است. مجسمه های شهری با ویژگی هایی از جمله قابلیت اجرا در ابعاد و اندازه های بسیار بزرگ و متناسب با فضاهای محیطی و نیز قابلیت دیده شدن از زوایای گوناگون، از سایر هنرهای قابل اجرا در شهرها، متمایزند. طراحی و ساخت فضاهایی عاطفه انگیز و حاوی عناصر و آرایه ها و آثار هنری، به ویژه مجسمه های شهری، به دلیل قابلیت های زیباشناسانه و تاثیرگذاری آن، می تواند در تسکین آشفتگی شهر و خستگی بصری شهروندان، مفید و در عین حال باعث ارتقای سلیقه و درک هنری و بصری شهروندان، به عنوان مهم ترین مخاطبین این آثار شود (پورمند و موسیوند، 1389، 52).

پیشینه پژوهش:

پیشینه ی مجسمه سازی در ایران به پنج هزار سال پیش برمی گردد. آثار مفرغی بدست آمده از لرستان آثاری سمبولیک، ملهم از طبیعت و کاربردی اند. حجاری های ایران باستان دارای جنبه های مذهبی و وقایع نگار بوده و در آن ها توجه خاصی به نقوش حیوانی شده است. پیکرتراشی متأثر از هنر (آشوری) در دوران (هخامنشی) به نوعی دیگر و به گونه ای ظریف با نگاهی ناتورالیستی با جنبه ی مذهبی و وقایع نگار در ارتباط است. در دوران (اشکانی) هنر ایران با امتزاج دو هنر (هلنی) و (هخامنشی) و نیز واقع نمایی در چهره پردازی ادامه یافت. مجسمه سازی در دوران ساسانی خصوصیات هنر هخامنشی را حفظ می کند اما به طبیعت نزدیک تر می شود. در سده ی اخیر ارتباطات خصوص هنر آکادمیک اروپا به مجسمه سازی ایرانیان جان دوباره بخشید. بعد از مهم ترین نقش را در احیای هنر مجسمه سازی ایران ایفا کرده است. در دوران معاصر آشنایی مجدد هنرمند ایرانی با هنر جهان و بهخصوص هنر آکادمیک اروپا به مجسمه سازی ایرانیان جان دوباره بخشید. بعد از (کمال الملک) هنرمندی چون (ابوالحسن صدیقی) که دانش آموخته ی اروپا بود آغازگر مجسمه سازی حرفه ای ایران شد و استادانی چون (علی اکبر صنعتی) و (علی قهاری) راه وی را پیش گرفتند. نوع بیان این دسته از هنرمندان به شیوه های نئوکلاسیسیسم، رئالیسم و نئورئالیسم محدود می شد. از سالهای 1320 نهضت نوینی در نقاشی و مجسمه سازی ایران به وجود آمد که هنرمندانی چون (پرویز تناولی) و (طباطبایی) با بهره گیری از راه کارهای هنر مدرن و استفاده از عناصر سنتی جامعه ایرانی سعی در احیای هویت ملی و ارتباط جهانی در مجسمه سازی ایران داشتند. مجسمه سازانی چون (قدرت الله معماریان) و (بهمن محمص) از مجسمه سازان پرکار دوران معاصر ایران به شمار می روند (وزیری، 1373: 39).

فضاهای عمومی شهری:

در سطح یک شهر، فضاهای گوناگونی می توان یافت: از فضاهای خصوصی و خانوادگی تا فضاهای عمومی و متعلق به همه اهالی یک شهر. در عین حال آن فضایی که همه شهروندان به آن احساس تعلق خاطر دارند و با آن در ارتباطند، فضاهای عمومی یک شهر هستند. فضاهای عمومی شهرها به جای آنکه با فضای خصوصی و صمیمی ارتباط داشته باشند تقریباً در همه جا و در همه زمان ها به عنوان مکان هایی خارج از مرزهای فردی یا گروه های کوچک قرار میگیرند، به طوری که بین فضاهای خصوصی واسط هستند و برای انواعی از اهداف نمادین و واقعی به کار گرفته میشوند. بنابراین از دیدگاه تشریحی، فضاهای عمومی فضاهای قابل دسترس و چند منظوره هستند که از قلمروهای انحصاری خانوار و فرد قابل تمایزند. از دیدگاه هنجاری این فضاها اگر توسط مسئولین دولتی ایجاد و مدیریت شوند عمومی تلقی میشوند، به طوری که کل مردم را مخاطب قرار داده و به روی همه باز بوده و توسط همه اعضای جامعه مورد استفاده قرار میگیرند (مدنی پور، ۱۳۸۷، ۲۶۴).

فضاهای عمومی شهری، مکان های ملموسی هستند که فعالانه بر زندگی ما اثر میگذارند. این فضاها، واجد ویژگی هایی مانند سرزندگی، تحرک، تحول مداوم، پیوستگی و گسستگی است. مهم تر اینکه همه گروه های اجتماعی می توانند در این فضاها حضور یابند. از جمله فضاهای مهم و وسیع، که البته میتوانند محل مناسبی نیز برای قرارگیری هنر های شهری و به ویژه مجسمه های شهری باشند، میدان ها و پارک ها هستند. (www.omidvarian.blogfa.com)

واژه شناسی هویت:

در فلسفه، هویت به حقیقت جزئیة تعریف شده است. یعنی هرگاه ماهیت با تشخیص لحاظ و معتبر شود، هویت گویند؛ هویت به معنی وجود خارجی است و مراد تشخیص است. هویت گاه بالذات و گاه بالعرض است (معین، ۱۳۷۱: ۵۲۸۸) بهزادفر در کتاب هویت شهر، مینویسد: "در لغتنامه دهخدا نیز در بیان ریشه و اصل کلمه هویت، لفظ "هو" آورده شده است. هویت گاه بر وجود خارجی و گاه بر ماهیت با تشخیص اطلاق میشود که عبارتست از حقیقت جزئیة (بهزادفر به نقل از دهخدا، ۱۳۸۷: ۱۹). جرجانی در کتاب "التعريفات" هویت را روی عقلانی از حیث امتیاز شیء از دیگران میدانند. منظور از امتیاز در این جا تفاوت و تعداد داشتن است و به معنی برتر بودن نیست (صالحی، ۱۳۸۷: ۱۲).

واژه هویت یا "Identity" ریشه در زبان لاتین "Identitas" دارد و از "Idem" یعنی "مشابه و یکسان" مشتق شده که دارای دو معنای اصلی است: اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است، معنای دوم آن به معنای تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض میگیرد (محرمی، ۱۳۸۳: ۶۶) به این ترتیب هویت، به مفهوم شباهت، از دو زاویه مختلف قابل بررسی است و به طور همزمان میان افراد و اشیاء دو نسبت محتمل برقرار می سازد: شباهت و تفاوت.

ملاصدرا در کتاب "اسفار اربعه" به ریشه یابی معنای هویت می پردازد و وجوه متفاوتی را برای آن قائل می شود:

- هویت به معنای وجود واقعی شیء
- هویت به معنای ماهیت
- هویت به معنای وجود

▪ هویت به معنای مصداق (صالحی، ۱۳۸۷: ۱۳-۱۵)

هویت اصطلاحاً مجموعه ای از علایم، آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه، اهلیتی از اهلیت دیگر و یا فرهنگی از فرهنگ دیگر می شود که محتوا و مظهر این طرف به مقتضای هر جامعه و ملت متفاوت و بیانگر نوعی وحدت، اتحاد، همشکلی، تداوم، استمرار، یکپارچگی و عدم تفرقه است (محرمی، ۱۳۸۳: ۶۷). مفهوم هویت، مانند بسیاری از مفاهیم فلسفی، اجتماعی و انسانی، انتزاعی، سهل و ممتنع میباشد و از سوی دیگر در حال شدن دائمی است. لذا

همواره باید از طیفی یاد کرد که در یک سوی آن، هویت در نازلترین معنی یعنی نام‌شده و یا انسان و در سوی دیگر طیف، معنای بی‌پایان هویت قرار دارد و تمامی بحث‌های هویت، صرف‌نظر از پسوندهایی که بدان افزوده میشود بر روی این طیف قرار دارند (پیران، 1384: 6). هویت همان چیزی است که فرد، به آن آگاهی دارد. به عبارت دیگر هویت شخص چیزی نیست که در ادامه کنشهای اجتماعی به او تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیتهای بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد (گیدنز، 1378: 82-83). در مقابل عده‌ای همچون افروغ، اعتقاد دارند که هویت امری است اجتماعی. هویت تلاشی است که جمعی از انسانها به منظور تداوم و تمایز حیات مادی و معنوی خود بروز می‌دهند و بر معیارهای گوناگونی از قبیل خانواده، خویشاوندی و مقولات انتزاعی چون دین مشترک، قومیت و دیدگاه‌های سیاسی استوار است. هویت ملی، قومی و دینی بر اساس همین تعریف شکل می‌گیرد (افروغ، 1377).

لذا هویت بر وجوه مختلفی دلالت دارد، وجوهی که هر یک در جامعه ظهور می‌کند و رشد می‌یابد. هویت را میتوان به مثابه تغییر و تجدد دانست، چراکه یک امر اتصالی، تدریجی و منتشر در زمان است و هر آنچه در زمان جاری باشد پویاست. از طرفی، هویت غیرقابل اشتراک با دیگران است. به عبارت دیگر، این مفهوم پویا و جاری در زمان به ماهیتهای مستقل از هم تعلق دارد.

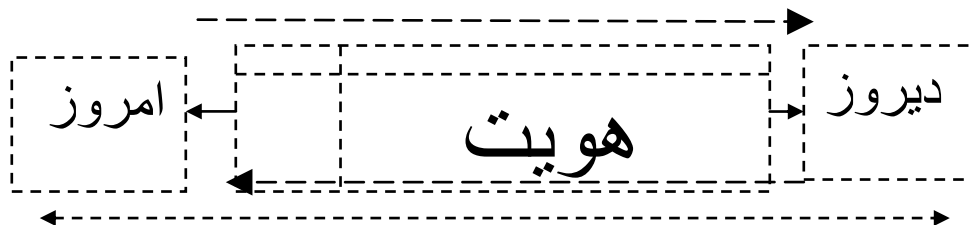
شاخصه‌های اصلی هویت:

هویت در ذهن افراد مختلف - حتی دارای فرهنگ مشترک - متفاوت دیده میشود و بخشی از این تفاوت ناشی از تجربه افراد در بستر اجتماع است. برخی هویت را مقوله‌ای فردی می‌دانند، برخی اجتماعی؛ برخی هویت را تا نام‌شده نیز تقلیل میدهند و برخی چنان به آن ماهیت قدسی می‌بخشند که از دسترس انسان خارج می‌شود. در هر صورت می‌توان دو ویژگی اصلی را برای هویت ارائه نمود:

-تضاد پویایی و استقرار

یکی از ویژگیهای هویت این است که در یک زمان و در یک مصداق واحد، حامل یک عنصر متغیر و یک عنصر ثابت است. از یک سو مفهوم هویت بیانگر استقرار و سکون است و از سوی دیگر به دلیل فرآیندی بودن، دائماً در معرض تغییر و تجدد و پویایی است. به همین دلیل عده‌ای معتقدند پیوندها و تعلق‌هایی که به هویت مربوط می‌شود، محصول تفسیری مجدد و نمادین از دنیا است که به شرایط تاریخی، نیازها و موقعیت‌های متفاوت باز می‌گردد که در بستر زمان جاری است. ادغام محتوای ذهنی و شکلی:

تشخیص هویت، فرایندی قیاسی بین عینیتی موجود (object) با داده‌هایی از آن در ذهن (subject) است هر object یا هر فضا، با آنکه یک موجودیت خارجی مستقل است ولی در فرآیند ادراک، تبدیل به یک پدیده ذهنی می‌شود (بهزادفر، 1387: 22). میتوان گفت درک هویت نوعی ارزشگذاری با اندوخته‌های ذهنی فرد است که از تجربه در طول زمان حاصل می‌شود. از آنچه گفته شد درمی‌یابیم هویت، بیانگر تصویر معنوی و مادی انسان یا شئی در جهان است؛ در واقع پاسخی به پرسش در خصوص چیستی یا کیستی است که دو جنبه شخصی و جمعی را داراست. کند و کاوش در مقوله هویت میرساند که نمی‌توان آن را در یک تعریف خاص قرار داد. به نظر میرسد هویت "کیفیتی" است که از ریشه‌های تاریخی انسان پدید می‌آید و این تنها بخشی از مفهوم هویت است. در واقع هویت کیفیتی همواره جاری در طیف "گذشته - امروز" است و چنانچه برای ارائه تعریف و شناخت، در لحظه‌ای خاص آن را متوقف کنیم، دچار خطا می‌شویم. فرد با حضور و رشد در جمع علاوه بر هویت شخصی نظیر منزلت اجتماعی و روابط شخصی با دیگران، با گرفتن عناصر مشترک فرهنگی، هویت جمعی نیز مییابد و با مجموعه این مسائل دارای تاریخ مشترک می‌شود.



تصویر 1: هویت به عنوان امری کیفی و جاری در زمان،
از اندوخته های ذهنی فرد در طول زمان حاصل می شود؛
منبع: نگارندگان

هنر عمومی و فضاهای شهری:

هنر عمومی، در واقع میتواند هر نوع اثر هنری باشد. البته با آثار هنری که در یک مکان عمومی همچون موزه، گالری یا هر مکان همگانی دیگر (که نمایش آثار تحت شرایط و ضوابطی است) به نمایش در می آیند و هم چنین با آثاری که در مجموعه های شخصی هنری نگهداری میشوند، می تواند متفاوت باشد. باید توجه داشت که عنوان "هنر عمومی" دلیلی بر فاقد ارزش بودن اثر نیست: چرا که این آثار می بایست علاوه بر ویژگی های زیبایی شناسانه و هنری، به دلیل قرار گیری در مکان هایی که صرفاً مخاطب خاص ندارند بلکه با توده مردم مواجه هستند، سعی در افزایش سواد بصری و حس زیبایی شناسانه مخاطبان خود نیز داشته باشند. هنر همگانی به خاطر بافت کاملاً عمومی و مخاطبین گوناگونش گاهی به ساخته ای اجتماعی بدل می شود تا اثر هنری، از لحظه ی آغاز، به خاطر تلاش در خوشایند واقع شدن همگان یا شاید دقیق تر ((اهانت نکردن به هیچ کس)) در معرض تغییر قرار میگیرد. هنرمندان حرفه ای که به سنت های مدرنیسم گراییده اند به خوبی به این تناقض آگاهی یافته اند. یک اثر هنری معاصر که عمدتاً به توانایی بیان نکات بسیار شخصی وجدان با قراردادهای تکیه دارد، چگونه میتواند توسط کمیته ای از اعضای مختلف انتخاب شده در میدانی عمومی نصب گردد و نه تنها زنده بلکه موفق باقی بماند (بهرامی، 134، 1382).

به طور کلی واژه "هنر شهری" شامل تمامی هنر هایی می شود که با مقاصد خاص و برنامه ریزی شده برای ناحیه ای مشخص از شهر طرح ریزی شده است. این هنر، قابلیت دسترسی ساکنین را برای مواجه شدن با یک اثر ممکن میسازد. همچنین واژه "هنر شهری" شامل هر اثر هنری است که قابلیت نمایش در فضای عمومی را دارد.

کلیه ی آثار تاریخی، یادبودها و مجسمه های شهری را می توان از کهن ترین آثار هنر شهری به شمار آورد. حتی بساری از جزییات یک اثر معماری گونه میتواند به خودی خود در زیر مجموعه هنر شهری قرار گیرد. چه بسا در زمان ساخت یک منطقه از محیط شهری، بسیاری از شاخه های هنر شهری لحاظ می شوند. مقوله هایی چون مبلمان شهری street furniture، نورپردازی، هنرهای گرافیتی از جمله مواردی هستند که در زمان ساخت یک منطقه باید مورد توجه قرار گیرند.

نکته قابل توجه این است که "هنر شهری" تنها با حضور یک شیء فیزیکی تعریف نمی شود، بلکه مواردی چون فضایی برای اجتماعات، سالن های تئاتر و حتی فضایی شاعرانه زیر مجموعه هنر شهری به حساب می آیند. (شهباز، 1388، 3).

تأثیرات هنرهای عمومی بر فضای شهری:

در اینجا به طور مختصر به چند تاثیر و نقشی که آثار هنری همگانی به ویژه مجسمه های شهری در بافت اجتماعی و شهری ایجاد می نمایند اشاره میشود:

1- ایجاد تنوع و سرزندگی در فضاهای شهری

2- خوانایی و ایجاد هویت

3-آموزندگی و پرورش ذهن

4-زیبایی و ارتقاء کیفیت بصری

تعریف المان های شهری

المانهای شهری از اجزای مهم مبلمان شهری میباشد که میتوانند در ارتقای حس مکان و هویت شهروندان تأثیر بسزایی داشته باشد (Mateus,2006:7)

المان و یا نماد شهری ترکیبی است، پیکره وار که در ساخت آن از ویژگیهای درونی احجام و اشکال هندسی، سازه‌های و به طور کلی هر آنچه میتواند جنبه‌ی تزئینی و ساختمانی داشته باشد استفاده میشود. این ترکیب دارای یک نظام هندسی و تعادلی پایدار و زیباست به گونه‌ای که پس از خودنمایی در سطح شهر افراد را به گونه‌های جذب خود مینماید و به صورت سمبلیک مشخصه‌های برای شناخت شهر نظر گرفته میشود. المان های شهری پس از جذب و پذیرش شهرنشینان جزء شاخصه های اصلی شهر میشوند (ایزدیین، 1391).

المان های شهری خود انواع مختلفی دارند که عبارتند از -1: المانهای نمایشی، -2 المانهای بیانی، -3 المانهای عملکردی و -4 المان- های ترکیبی که میتوانند به صورت تلفیقی از دو یا حتی هر سه نوع شکل موجود باشند(Mateus,2006).

مجسمه سازی در فضاهای شهری:

مجسمه های شخصی یک هنرمند براساس احساس فردی او شکل می گیرد. سوژه آزاد است و همه چیز در نهایت آزادی است. این نوع مجسمه سازی بدون هیچ قید و شرطی به وجود می آید و عرضه می شود. مجسمه های شهری دارای این آزادی نیستند. به عبارتی، اغلب مجسمه ساز مجاز نیست هرچه دلش می خواهد بسازد تا در یک قسمت شهر نصب شود. عوامل بسیاری بر طرح او تأثیر می گذارند. در حقیقت، هنرمند به واسطه ی شرایطی خاص، مجسمه ای را طراحی و اجرا میکند که ممکن است حتی بعضی از ویژگی های آن لزوما در قبول خودش هم نباشد.

ممکن است مجسمه ساز دچار محدودیت هایی شود که ناگزیر فضای اطراف محل نصب مجسمه به او تحمیل کند. البته هنرمند میتواند در صورت امکان شاخصه های مجسمه سازی فردی خود را در مجسمه سازی سفارشی، از هر نوع، تعمیم دهد. اصولاً نتیجه خوب در مجسمه سازی سفارشی زمانی اتفاق می افتد که هنرمند بتواند بین سلیقه خود و تمامی عوامل مداخله گر اثر سفارشی، به یک تعامل و تعادل برسد. (سالیانی، 3، 1387).

مجسمه به طور خاص در هنر شهری کاربرد بسیاری دارد و دلیل آن استفاده از مصالحی است که تخریب شدن را به تعویق می اندازد. با وجود این حتی در مجسمه های شهری شاهد استفاده از مصالحی هستیم که تخریب پذیر هستند و اساساً برای ماندگار شدن طراحی نشده اند.

ویژگی مهم مجسمه سازی شهری، تأثیری است که در قیاس با سایر انواع مجسمه سازی از جمله مجسمه سازی فردی یک هنرمند دارد. در حقیقت، مجسمه شهری در یک نمایشگاه هنری دائمی با مخاطبین بی شمار به نمایش در می آید، و به همین دلیل هم در ارتقای دانش تجسمی جامعه به مراتب موثرتر از سایر مجسمه هاست.

مجسمه های شهری، نه تنها به غنای بصری شهر و فضای زیست اجتماعی ما کمک میکنند، بلکه به عنوان نمادها و نشانه هایی از فرهنگ و هویت جمعی ما قابل استناد هستند و از این بابت است که باید رویکردی تازه تر و جدی تر به آنها داشت. مجسمه های شهری که قبل از هر چیز به ایجاد تنوع در فضای بصری شهرها کمک میکنند، می بایست حائز ویژگی هایی باشند که از آن جمله می توان به مواردی اشاره کرد که همایون ثابتی مطلق از آنها یاد می کند ((مجسمه های شهری تفاوت هایی اساسی با انواع مجسمه هایی که در موزه ها و گالری ها می بینیم دارند. این نوع مجسمه ها باید در منظر زیبایی شناختی یک اثر هنری کامل باشند، به این معنی که در خلق آنها نباید تنها به کارکردشان توجه داشت.

مجسمه های شهری در ارتباط مستقیم با مردم هستند و لاجرم باید بتوانند با روحیات جمعی مردم و واقعیت های اجتماعی آنان ارتباط برقرار کنند. هر فضا و موقعیتی فرهنگ خاص خودش را دارد و مجسمه ای که در آن فضا قرار می گیرد، باید با موقعیت و فرهنگ مردمی که در مقابلش می گذرند سنخیت داشته باشد. این مجسمه ها باید بتوانند به سرعت تاثیر زیبایی شناختی بر مخاطب خود بگذارند، چرا که مخاطب این آثار تنها برای دیدن آنها به شهر نم آیند و در نهایت این مجسمه ها باید بتوانند پیام و مفهومی را به سرعت به مخاطبان خود انتقال دهند))

در مجموع می توان گفت که مجسمه های شهری محمل بسیار مهم و در عین حال حساسی در زیبا سازی و هویت دهی به فضاهای عمومی است، چنان که هنری مورد معتقد است: "مجسمه سازی بیش از نقاشی (که به طور عمومی محدود به بیان درونی است)، هنری متعلق به توده است".

در یک شهر، حضور بناها و آثار معماری گوناگون را به جهت خصوصیات زیبایی شناسانه، می توان به نوعی در مقوله آثار حجمی قرار داد. وجود بناهای زیبا و مناسب می تواند به زیبا تر کردن فضاها و چشم اندازهای شهری بیانجامد: که این مساله خود، توجه بیشتر به طراحی معمارانه را در این آثار می طلبد. وقتی به معماری مجسمه وار اشاره می شود، غالباً به نوعی فضای معماری اشاره می گردد که از لحاظ بصری محدوده ای معین را پوشش می دهد: هر چند ممکن است بخشی از این محدوده یا تمامی آن، قسمتی یا تمامی یک مجموعه فضای شهری را در بر گیرد. در حالی که وقتی به فضاهای شهری اشاره می شود، غالباً مجسمه یا هر عنصر تندیس گونه را می توان به یک عنصر یا فضا در محدوده و عرصه فضای شهری در نظر گرفت. شاید در یک تعریف عمومی و گسترده به ساختمان های تندیس گونه در فضاهای شهری بتوان عنوان معماری تندیس گونه داد. برای مثال میتوان به طاق نصرت در روم باستان و به تبعیت از آن، به طاق نصرت هایی که بعد ها در دیگر سرزمین های اروپایی شکل گرفت، اشاره کرد.

به این ترتیب شاید بتوان بنای برج آزادی در میدان آزادی تهران را در بین فضاهای تندیس گونه طبقه بندی کرد: یعنی فضایی که کما بیش همه نکات مهم که در طراحی یک تندیس بزرگ شهری مورد توجه قرار میگیرد، در آن مورد ملاحظه قرار گرفته است و بیش از آنکه عملکردهای درونی آن اهمیت داشته باشد، جنبه های یادمانی و همچنین دید شهروندان از زوایای گوناگون به آن مورد توجه بوده است. (سلطان زاده، 1387، 7).

توجه به کارکردها: مجسمه های شهری از آن دسته آثار هنری هستند که کارکرد آنها یکی از مهم ترین فاکتورهاست. کارکرد فیزیکی و نیز کارکرد معنایی و مفهومی مجسمه هایی هستند برای تمامی فصول و یکی از بهترین امکانات را برای تغییر فضا و سیمای شهرها به دست می دهند. (مهاجر، 1386، 13) مجسمه سازس شهری در بهبود سازماندهی فضای شهر، کهرعرصه شکل گیری عمومی ترین و ملموس ترین عواطف شهروندان است (عواطف مربوط به فضا و فرم) نقشی ویژه دارد: نقشی که از عمل و دانش مجسمه سازانه توامان بهره میگیرد. مجسمه های شهری در ایجاد هویت بصری، هویت معنایی و مکانی نقش دارند.

مجسمه سازی شهری، با تاکید بر کاربرد رابطه با معماری و ایجاد نقش متقابل با عوامل جغرافیایی، به غنای معنایی و انسانی شهر کمک می کند. پس مجسمه شهری از عوامل ضروری سازماندهی فضای شهری است و نقش ویژه را دارد. همچنین امری تخصصی است و بایستی بر اساس مشخصات محیط شهری شکل گیرد. مجسمه شهری با شیوه های گسترش نوسازی و نگهداری بافت جدید و قدیم شهر مرتبط است و باید طرح عمومی و منظر کلی برای آن مقصور شد. برای آن که مجسمه شهری در جایگاه واقعی خود قرار گیرد و نقش خود را به خوبی ایفا کند، بایستی پیش شرط های لازم فراهم آید. ضرورت ایجاد مراکز تخصصی آموزش هنر محیطی و شهری و شرایط ایجاد گروههای کاری مربوطه و همچنین ایجاد زمینه مساعد اقتصادی برای گسترش فعالیت های هنر محیطی از جمله ضروری ترین نیازهای رشد این حرفه است... (شانس، 1387، 6).

در طراحی یک مجسمه شهری برای یک فضای محیطی خاص، مهم است که هنرمند مجسمه ساز به هدف نصب، توجه کافی داشته باشد. یک مجسمه ممکن است صرفاً جهت مسائل زیبایی شناسانه و تملیظ فضای شهری، طراحی و نصب شود. یکی از کارکردهای مجسمه شهری، به ویژه در کشورهای با تمدن غنی، مانند کشورمان، ارتقای کیفیت بصری و فرهنگی محیط شهری

است: که البته نیاز است هنرمند از عناصر و داشته های فرهنگی و تاریخی مکان در طراحی و اجرای اثر خود استفاده کند و یا در مواردی، مجسمه شهری جهت القای یک مفهوم یا معنای خاص، و برای فضا سازی ویژه ای سفارش داده می شود، در این گونه موارد نیز این هنرمند مجسمه ساز است که می بایست میان تمامی عناصر حجمی، محیطی و مفاهیم مستتر در اثر ارتباط و هماهنگی لازم را برقرار سازد.

همچنین " از جمله عمکردهای مهم دیگر مجسمه های شهری، ایجاد حس مکانو هویت تعریف شده و القا روحیه خاص در فضا با تقویت روحیه یک فضاست. البته تعریف این عنصر و متمایز ساختن از سایر عناصر مبلمان شهری و آثار حجمی چندان ساده نیست و هر تعریفی در این زمینه نسبی است، چرا که مجسمه سازی یک رشته هنری است و هنر نیز تعاریف محدود و مشخص را بر نمی تابد" (www.arti.ir).

- معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر شیراز مرکز استان فارس بر روی جلگه طویلی به طول 120 کیلومتر و عرض 15 کیلومتر در شرق 52 درجه و 29 دقیقه تا 52 درجه و 36 دقیقه و عرض شمالی 29 درجه و 33 دقیقه تا 29 درجه و 41 دقیقه، در 900 کیلومتری جنوب پایتخت و در منطقه کوهستانی جنوب ایران واقع شده است. این شهر با جمعیتی بالغ بر 1460665 نفر به 10 منطقه شهرداری تقسیم می - شود. (سالنامه آماری استان فارس، 1390).

پیشینه شکل گیری المانهای شهری در شیراز:

تا چندی پیش، در شهر شیراز هر آنچه از زیبایی شهری میدانستیم، در کاشت و آرایش درختان، بوته ها و گلها خلاصه میشد. خیابانها، بلوارها و میدانها یا با گیاهان آراسته میشدند یا با آب که با خاطره جمعی و تاریخی همگان از شیراز نیز همسویی داشت. اگر از بناهای شاخص و میدان طاووس در ورودی شیراز صرف نظر کنیم، میتوان گفت که آشنایی شیراز و شیرازیه با المانها و نشانه های شهری برای نخستین بار، از طریق بلوار چمران و حاشیه سازی آن آغاز شد. نشانههایی همچون یادمان کودکی، ماشین زمان، آسیاب سه تایی و ... عناصری که به مرور زمان، به بخشی جدانشدنی از این محور بدل شدند و دیگر امروز محور چمران بدون آنها تصورکردنی نیست.

در کمتر از 5 سال گذشته، به یکباره پرداختن به مقولهی زیباسازی شهر به کمک المانهای موقتی و دایمی و بهره برداری از آنها به ویژه در میدانها، تقاطعها و ورودیهای شیراز بسیار متداول شده است به گونهای که تقریباً هر ماه شاهد خلق شدن یکی از این المانها در گوشه و کنار شهر شیراز هستیم.

نمونه هایی از المان های شهری شیراز :

بسیاری از شهرها، در راستای رسیدن به اهداف کاربردی و زیبایی شناسانه در فضاهای شهری، هنرهای عمومی را در این فضاها به خوبی نشانده اند و البته یکی از مهمترین این هنرها طراحی و ساخت مجسمه های شهری است: و در این راستا به اقدامات گوناگونی دست زده اند. مجسمه های شهری، هنر را به میان مردم می آورند، از این رو می توانند مردم را با سبک های هنری قدیمی یا جدید آشنا سازند و بر دانش هنری و سواد بصری آنها بیافزایند..... در اینجا نمونه هایی موفق از مجسمه های شهری، که در خود حاوی نکاتی آموزنده هستند، عرضه میگردد:



2.المان وحدت



1.المان رهایی



4.المان آتش نشان



3.المان نیستان

1.المان رهایی، جانمایی (میدان حر): اثر هنرمند (امین بلاغی)

فلسفه رهایی از قید و بند مادیات و رها شدن پس از مرگ به تصویر می کشد. در المان رهایی واقع در میدان حر موضوع اثر آزادگی شخصیت حر میباشد، کبوترهای سفید نماد آزادی هستند که با کشیدن پارچه ای که از وجود خود حر است بدن او را در آسمان مستحیل میکنند که به نوعی اشاره به شهادت در راه آزادگی دارد.

این اثر به جنس ورق فولادی با برش های مثلثی شکل گرفته، قسمت های پایین اثر زمخت تر کار شده و هرچه به پرنده ها میرسد سطح کار نرم تر میشود که اشاره به کندن از دنیای سخت مادی دارد. قطعات مثلثی شکل بدن خصوصا صورت مجسمه طبق انالیز سطحی دقیقا برش خورده و دقت شده حتی در خطوط برش آن ترکیب بندی رعایت شود، قطعات طوری کنار هم چیده شده که جدا بودن ساختار آنها احساس شود تا حس استحاله شدن مجسمه در فضا را بیشتر القا کند.

2.المان وحدت: اثر هنرمند کامبیز هورسان

دو شخصیت انسانی موجود در اثر به لحاظ ارتفاع و جهت نگاه با هم متفاوتند تا حاکی از اقشار مختلف اجتماع باشند و به رغم تفاوت های ظاهری، فرهنگی و نوع دیدگاه در بالاترین نقطه و اوج کار به هم پیوسته و مشتتهایشان به حالت گره کرده و مصمم با هم یکی شده اند. این یک رنگ و تفاهم در دایره وحدت قرار داشته به صورت خورشیدی بالای سر آنها می درخشد. نقش ها و خطوط

تیز و خشنی که در کار دیده می شود و به این شخصیت‌های انسانی برخورد کرده نشان گر شدايد و سختی های این راه است. لیکن علی رغم تمام این شدايد، شخصیتها استوار و با عزمی راسخ و با وحدت کلمه خود از این سختی ها واهمه ای ندارند و نیز گزندی نمی بینند

3.المان نیستان: اثر هنرمند مهدی دهقانی زاده

المان طراحی شده برای این میدان با توجه به اسم آن از مجموع چند نی تهیه شده است. پایه این اثر که محل تلاقی 3 عدد قلم نی می باشد در همه جهات میدان پیشروی دارد تا اثر حالت 360درجه واقعی داشته باشد. از طرفی نی در سه حالت: 1- ساده و دست نخورده 2- به عنوان قلم خوشنویسی 3- به عنوان ساز موسیقی ایرانی ساخته شده است که حضور این 3 وضعیت در یک مکان تداعی کننده نوعی موسیقی و شعر می توانست باشد که با وارد کردن یک سیاه مشق نستعلیق که به صورت گردشی در اطراف نی ها این امر محقق شد. از طرفی دیگر این گردش برای مخاطب در اتومبیل های عبوری یک حرکت وضعی ایجاد می کند و یک نوع سماع خط ایجاد می نماید.

متن سیاه مشق از اشعار آقا سید نورالدین حسینی الهاشمی است

نشونو از نی ، نی نوای بینواست بشنو از دل ، دل حریم کبریاست

نی چو سوزد خاک و خاکستر شود دل چو سوزد خانه دلبر شود

نی ها از جنس کامپوزیت بسیار محکم با شاسی کشی فلزی و سیاه مشق از جنس استیل ضد زنگ با ضخامت 5 میلیمتر و پایه از سنگ ملون ساخته شده است.

4.المان آتش نشان : اثر هنرمند مهدی دهقانی زاده

بازنمایی یک عمل قهرمانانه که توسط یک آتشنشان فداکار صورت گرفته است. ارتفاع 3.40 متر با جنس بتون گلاسه به روش قالبگیری با سیلیکون و تراش بعضی قسمتها بعد از قالبگیری. بازنمایی شعله ها با ورق آهن است که با نورپردازی مناسب طرح در شب نمای آتش تداعی می شود

نتیجه گیری:

انسان و مکان دارای شاخص های همانندی همچون خاطره و هویت هستند. انسان می تواند هویت پرداز یک مکان باشد و این دو برای یکدیگر لازم و ملزوم هم هستند. انسان برای اینکه خود را بهتر بشناسد نیاز به شناخت محیط اطراف خود دارد و این در صورتی است که تصویر ذهنی روشن و خوانایی از خود دارد و این در صورتی است که تصویر ذهنی روشن و خوانایی از خود و محیطش داشته باشد. هویت نشانه معطوف به هویت شخصی است. هویت نشانه در اثر تجربه مستقیم محیط فیزیکی رشد می یابد. بنابراین از وجوه اجتماعی و فرهنگی نشانه شهری است. در عین حال در غنای شخصیت فردی و اجتماعی نقش به سزایی دارد. چرا که بخشی از شخصیت انسان و جامعه که هویت فردی و اجتماعی را می سازد، مکان ها و عناصری هستند که خود را با آن ها می شناسد و دیگران می شناسند و به دیگران می شناساند. در بحث نتیجه گیری مجسمه های شهری و المان های شهری از جمله عوامل تاثیر گذار در خوانایی، هویت و حس مکان در شهرهای امروزی است، حال در شهر شیراز خوشبختانه به واسطه سازمان زیباسازی شهرداری شیراز اقداماتی صورت گرفته است که هنر عمومی فضای شهری را به هم بسط داده است و این همان پیوند هنر و فرهنگ در سطح یک شهر است که هویت را به وجود می آورد. با توجه به مقاله مجسمه سازی در فضاهای شهری می توان نوشته دکتر حسنعلی پورمند و محسن موسیوندگفت که جهت توفیق هرچه بیشتر در زمینه انجام موفق مجسمه سازی شهری، به ویژه در کشورمان، که به این لحاظ کاملا فقیر به نظر می رسد، الگوبرداری صحیح و البته متناسب با داشته های فرهنگی، هنری و تاریخی خودمان می تواند بسیار چاره ساز باشد. توجه به نمونه های موفق مجسمه سازی شهری در دنیا، برگزاری سمپوزیوم های

مجسمه سازی شهری و به یاری طلبیدن گروهی خبره از شهرسازان، طراحان و هنرمندان مجسمه ساز برجسته و طراز اول، می تواند در جبران کمبودهای موجود در زمینه مجسمه سازی در فضاهای شهری، یاری رسان باشد.

قدردانی:

از روابط عمومی سازمان زیباسازی شهرداری شیراز مهندس هادی پورکاظمی، هنرمند و دوست خوبم تشکر و قدر دانی می کنم .

مراجع:

1. بهرامی، محمد(1382)،مجسمه های شهری و میداین تهران،پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر،دانشگاه هنر .
2. جامی،سهیلا(1388)،سه گانه های شهری،نشریه تندیس،153،ص 26
3. حقیقت نایینی،غلامرضا(1380)،جستاری در نقاشی و تاثیر آن در شهرسازی،نشریه فصلنامه هنر،شماره 3،ص 102-107
4. رهنورد،زهرا(1387)،نمایشگاهی دائمی،نشریه تندیس،شماره 139،ص 4
5. سالیانی،ناهید(1387)،ضرورت حساسیت،نشریه تندیس،شماره 139،ص2
6. سلطان زاده،حسین(1387)،مجسمه سازی برای فضاهای شهری،نشریه تندیس،شماره 139،ص7
7. شانس،حمید(1387)،عرضه های حضور مجسمه سازی،نشریه تندیس،شماره 139،ص6
8. مدنی پور،علی(1379)،طراحی فضای شهری، مترجم فرهاد مرتضایی، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری تهران
9. مور، هنری (1385)، مجسمه سازی در جامعه مدرن ؛ ترجمه سهیلا سید یوسفی، نشر دیگر، تهران.
10. مهاجر، آذر (1386)، آثاری برای تمام فصول، نشریه همشهری : 22 / 2 / 1386 ، صص 10 - 14 .
11. سعیدی رضوانی، نوید(1385)مجسمه شهری
12. معینی فر،فاطمه و همکاران نقش مجسمه ها و المانهای شهری بر زیباسازی و ارتقاء کیفیت بصری فضای عمومی شهرها (نمونه موردی :شهر شیراز)،همایش ملی عناصر زیباسازی شهری
13. معین، محمد. فرهنگ فارسی .موسسه لغت نامه دهخدا .دانشگاه تهران .تهران. 1381
14. شولتز، کریستیان نوربرگ .معماری : معنا و مکان : ویدا نوروز برازجانی .انتشارات جان جهان .تهران1382
15. شیبانی،حمیدرضا(1394)رنگی به شهر،شهری به رنگ،هفته نامه شهررا شماره 107،ص13